

ارتباط تیپ شخصیتی A و B با موفقیت تحصیلی

چکیده

هدف اولیه این پژوهش بررسی تفاوت موفقیت تحصیلی در دو تیپ شخصیتی A و B است. ۱۰۰ دانشجوی پزشکی (در مقطع کارورزی) دانشگاه علوم پزشکی زاهدان از نظر تیپ شخصیتی A و B توسط پرسشنامه رفتار تیپ A تفکیک شدند و سپس پس از ارزیابی میزان اضطراب و نیز تجربه اخیر رویداد استرس‌زای زندگی در هر آزمودنی، ارتباط تیپ شخصیتی آزمودنیها (با در نظر گرفتن میزان اضطراب و تجربه رویداد استرس‌زای زندگی) با میانگین معدل‌های چهار سال اخیر آنها (به عنوان شاخص موفقیت تحصیلی) مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده هانشان داد:

- ۱) موفقیت تحصیلی در دو تیپ شخصیتی A و B تفاوت معنی داری نداشته است.
 - ۲) تیپ شخصیتی A نسبت به تیپ شخصیتی B به طور معنی داری اضطراب بیشتری را تجربه نموده است.
 - ۳) تجربه رویداد استرس‌زای زندگی با موفقیت تحصیلی کمتر، ارتباط معنی داری داشته است.
- به طور کلی نتایج این پژوهش تا حدودی با نتایج پژوهش‌های مشابه همخوانی دارد.
- کلید واژه‌ها:** ۱- تیپ شخصیتی A و B ۲- موفقیت اجتماعی ۳- اضطراب ۴- رویداد استرس‌زا

دکتر کاظم ملکوتی *

فاطمه نوروزی **

دکتر شهین تدین ***

مقدمه:

از زمانی که فریدمن و روزمن (۱۹۷۴) الگوی رفتاری تیپ A را مطرح کردند نظرات متناقض و مطالعات بسیاری با نتایج متفاوت ارائه شده است. (۱)

تیپ شخصیتی A، در هم تافته‌ای است از مشخصات هیجانی - کنشی در افرادی که برای بدست آوردن اهدافی نامحدود و مبهم در اسرع وقت و حتی احتمالاً علیرغم مخالفت‌های محیطی و اشخاص دیگر تلاش می‌کنند. حس رقابت جوئی بالا، پرخاشگری و ستیزه جوئی از ویژگیهای آنها بوده و برای تحقق اهداف فرضی خود کوشش و تلاش فراوانی را از خود نشان داده و از صبر و تحمل کمتری برخوردار هستند. موفقیت و پیروزی

در نظام ارزشی آنها جایگاه ویژه‌ای داشته و تحقق نیافتن آن اهداف - بردامنه رقابت جوئی و ستیزه‌گری آنها خواهد افزود. برخلاف این عده، اشخاص تیپ شخصیتی B راحتند، پرخاشگری کمتری دارند، عجز نیستند و برای بدست آوردن هدف سرسختی کمتری نشان می‌دهند. اما برخی مطالعات نتوانستند اعتبار مفهومی تیپ شخصیتی A را نشان دهند. (۲)

لارسون (۱۹۹۳) در مطالعه خود نتیجه گرفته است که تیپ شخصیتی A باید در محور // جزو اختلالات شخصیت تعریف شود. بسیاری از پژوهش‌ها ارتباط بین تیپ شخصیتی A

* روانپزشک، اسناددار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران - بیمارستان روانپزشکی شهید اسماعیلی

** کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان

*** پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی زاهدان

واستعداد ابتلا به بیماری عروق کرونر و تغییرات فشارخون را نشان داده‌اند. (۴، ۷، ۹)

کاپلان (۱۹۸۹) می نویسد که اخیراً شخصیت با اصطلاح A (شبیبه شخصیت کرونری) شناخته شده که پیش زمینه بیماری کرونری را داراست. (۵)

اگرچه می توان انتظار داشت که افراد دارای تیپ شخصیتی A موفق تر از افراد تیپ شخصیتی B باشند، ولی چنین نیست. در واقع بعضی یافته‌ها حاکی از این است که اشخاص تیپ A علی‌رغم اشتیاق فراوانشان به کسب موفقیت، کمتر از اشخاص تیپ B موفقند. (۳)

با این حال کوپر (۱۹۸۱) دریافت که اغلب مدیران موفق، به تیپ A گرایش دارند، هرچند بهای این موفقیت ابتلا به بیماریهای ناشی از استرس باشد. (۷)

هدف عمده این پژوهش بررسی تفاوت دو تیپ شخصیتی A و B از نظر موفقیت اجتماعی می باشد. چون آزمودنیهای این پژوهش دانشجویان هستند بنابراین موفقیت تحصیلی به عنوان مهمترین شاخص موفقیت در آنها قلمداد گردیده است و به علت اینکه عوامل اضطراب زا و رویداد استرس‌زای زندگی* نیز می توانند در موفقیت (و در اینجا موفقیت تحصیلی) افراد دخالت داشته باشند، بنابراین در پژوهش کنونی این دو عامل نیز در نظر گرفته شد. پاول و انزایت (۱۹۹۰) گزارش دادند که بین تجربه استرس و موفقیت تحصیلی کمتر، ارتباط وجود دارد. (۷) اورپن (۱۹۸۲) در مورد ارتباط استرس و اضطراب گزارش داد که ارتباط بین تعارض نقش و فشار جسمانی و بین تعارض نقش و فشار روانی (اضطراب، انزجار، افسردگی) در میان شخصیت‌های تیپ A بطور معنی داری مثبت تر و بالاتر از شخصیت‌های تیپ B است. (۶)

همچنین پاول و انزایت می نویسند که الگوهای رفتاری تیپ A با سطح اضطراب بالا نسبت دارد. بنابراین با توجه به یافته‌های گزارش شده، فرضیه‌های پژوهش کنونی عبارتند از:
۱) موفقیت تحصیلی در دو تیپ شخصیتی A و B متفاوت است.

۲) تیپ شخصیتی A نسبت به تیپ شخصیتی B اضطراب بیشتری را تجربه می کند.

۳) تجربه رویداد استرس‌زای زندگی باعث افت موفقیت تحصیلی می شود.

اولین فرضیه، در واقع فرضیه عمده پژوهش است و فرضیه‌های دوم و سوم بطور فرعی و در ارتباط با فرضیه اول مورد آزمون قرار گرفتند.

روش

پژوهش کنونی دارای ساختی پس رویدادی (ex post facto) و گذشته نگر (retrospective) است که به شیوه پرسشنامه‌ای و انفرادی در محل کار دانشجویان (بیمارستانهای آموزشی) در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ اجرا شد.

آزمودنیها عبارت بودند از ۱۰۰ دانشجوی پزشکی در مقطع کارورزی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (دانشجویان ورودی سال ۶۷ - ۱۳۶۶ با دامنه سنی ۲۵ تا ۳۲ سال و میانگین سنی ۲۷ سال که در بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی در شهر زاهدان مورد بررسی قرار گرفتند که این تعداد ۴۴ نفر زن و ۵۶ نفر مرد، ۱۷ متأهل (۸ زن و ۹ مرد) و ۸۳ نفر مجرد (۳۶ زن و ۴۷ مرد) را شامل شده است.

ابزارهای اندازه گیری: دو تیپ شخصیتی A و B توسط پرسشنامه رفتاری تیپ A (۷) از یکدیگر تفکیک شدند. این پرسشنامه دارای ۱۴ مشخصه رفتاری تیپ A است که بر اساس مقیاسی ۱۰ درجه‌ای نمره گذاری می شود، در یک سوی هر مقیاس رفتاری تیپ A و در سوی دیگر رفتاری تیپ B قرار دارد. نمره ۱۰ انتهای رفتاری تیپ A و نمره صفر انتهای تیپ B را نشان می دهد. آزمودنی بر حسب وضعیت خویش نمره مناسب را انتخاب می کند. حداکثر نمره ممکن ۱۴۰ است. برای بررسی میزان اضطراب آزمودنیها پرسشنامه اضطراب بک (BDI) بکار برده شد. این پرسشنامه شامل ۲۱ عبارت چهارگزینه‌ای در مورد علائم مختلف اضطراب می باشد (ابدا، خفیف، متوسط

* منظور از استرس شرایط پرفشار روانی است که فرد احساس ناراحتی و عدم آرامش درونی می کند. این شرایط حاصل محرکهای بیرونی مانند رویدادهای زندگی (طلاق، مرگ عزیزان، شکست شغلی و...) و یا فشار امیال و غرایز درونی است. وجود استرس رami توان در نشانه های فیزیولوژیک مانند تپش قلب، افزایش فشارخون، تکرار درار روانی - رفتاری مانند احساس اضطراب، بیقراری، اشکال در تمرکز فکر، بیخوابی و غیره مشاهده نمود.

جدول ۱- آنالیز واریانس میانگین نمره معدل با تیپ شخصیتی و رویداد استرس زا

گروهها	میانگین نمره معدل	F	سطح معنی داری
تیپ شخصیتی A	۱۵	۰/۳	NS
تیپ شخصیتی B	۱۴/۹۶		
تجربه رویداد استرس زا	۱۴/۷۴	۴/۰۴	<۰/۰۵
عدم تجربه رویداد استرس زا	۱۵/۲۰		
تعامل تیپ شخصیتی و تجربه رویداد استرس زا		۱/۲۲	NS

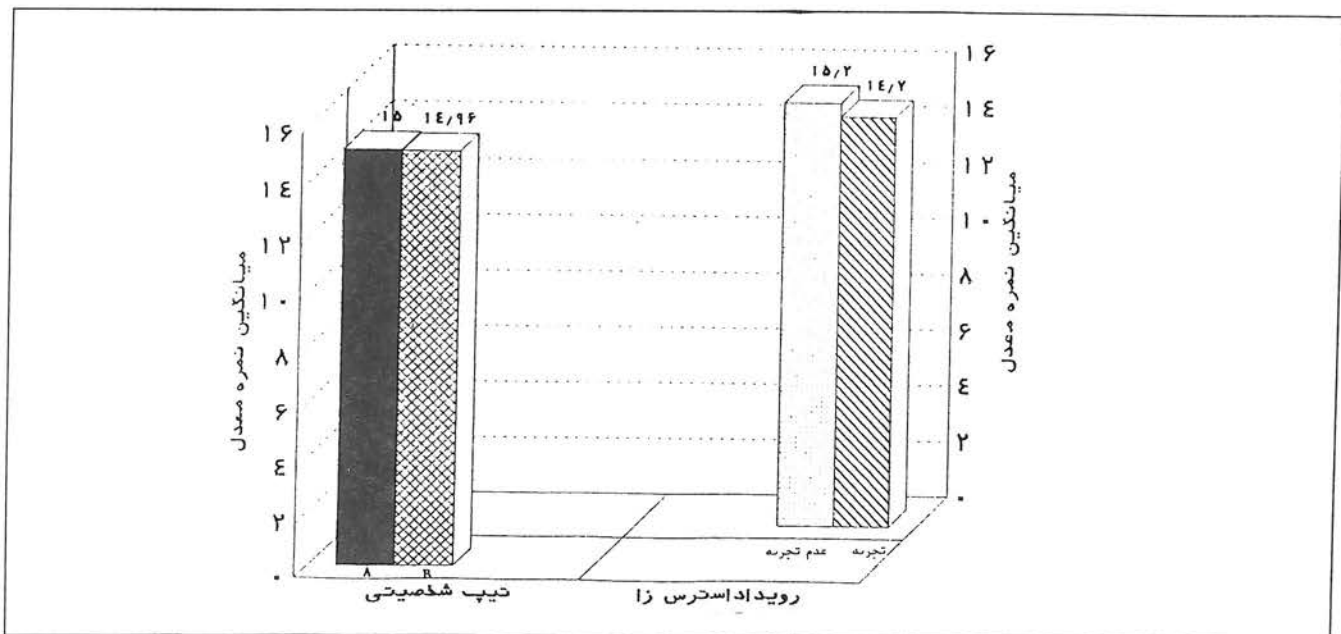
و شدید). در مطالعه انجام شده، پایایی پرسشنامه به روش بازآزمایی ۰/۷۵، ثبات درونی آن ۰/۹۲ و ضریب همبستگی آن با مقیاس اضطراب هامیلتون ۰/۵۱ گزارش شده است. (۲)

میانگین معدلهای چهار سال اخیر دانشجویان نیز به عنوان شاخص موفقیت تحصیلی آنها در نظر گرفته شد. همچنین از آزمودنیها درخواست شد تا در صورت تجربه اخیر رویدادی استرس زا آن را یادداشت نمایند.

نتایج

داده های بدست آمده در برنامه کامپیوتری SPSS باروش

آنالیز واریانس دو عامل (ANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و آنالیز واریانس (ANOVA) نتایج زیر را نشان داد: میانگین نمره معدل چهار سال اخیر در دو تیپ شخصیتی A و B تفاوت معنی داری را نشان نداد ($F = ۰/۳$, $df = ۱$) ولی میانگین معدل افرادی که اخیراً رویداد استرس زای زندگی را تجربه کرده بودند، به طور معنی داری نسبت به افراد دیگر پائین تر بود ($F = ۴/۰۴$, $df = ۱$, $p < ۰/۰۵$). عدم تفاوت دو تیپ شخصیتی از نظر میانگین نمره معدل، صرف نظر از تجربه یا عدم تجربه رویداد استرس زای زندگی در نظر گرفته شده است جدول شماره ۱ آنالیز واریانس میانگین نمره معدل با تیپ شخصیتی و رویداد استرس زا و نمودار شماره ۱ ارتباط میانگین



نمودار ۱- ارتباط نمره معدل با تیپ شخصیتی و رویداد استرس زا

جدول ۲- آنالیز واریانس نمره اضطراب بک با تیپ شخصیتی و رویداد استرس زا

گروهها	نمره اضطراب بک	F	سطح معنی داری
تیپ شخصیتی A	۱۲/۲۶	۵۲/۶۳	<۰/۰۰۰۱
تیپ شخصیتی B	۵/۸۶		
تجربه و رویداد استرس زا	۱۲/۰۵	۲۹/۲۳	<۰/۰۰۰۱
عدم تجربه رویداد استرس زا	۷/۰۷		
تعامل تیپ شخصیتی و تجربه رویداد استرس زا	-	۰/۹۱	NS

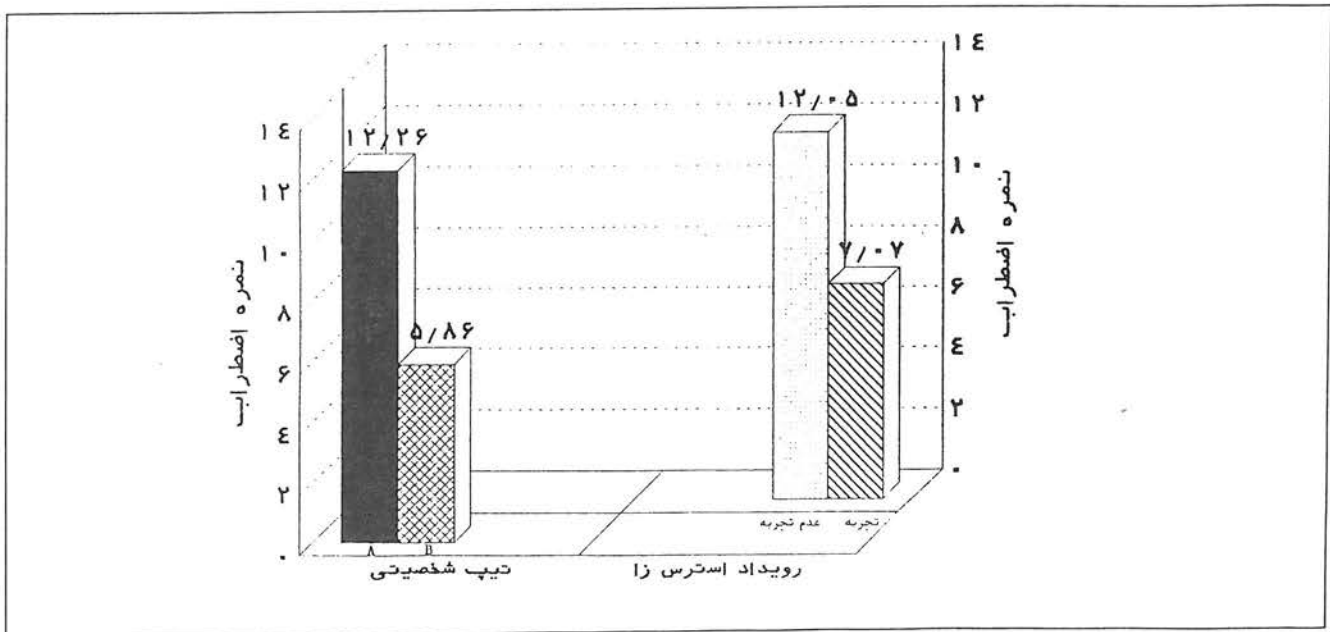
ارتباط نمره اضطراب بک با تیپ شخصیتی و رویداد استرس زای زندگی می دهند.

همچنین نتایج نشان داد که نمره اضطراب افراد تیپ A در پرسشنامه اضطراب بک به طور معنی داری بالاتر از افراد تیپ شخصیتی B است ($p < 0/0001$, $df = 1$).

در ضمن افرادی که اخیراً تجربه رویدادی استرس زا داشته اند نسبت به افراد دیگر به طور معنی داری نمره اضطراب بیشتری را بدست آوردند ($p < 0/0001$, $df = 1$). اما بین تیپ شخصیتی و تجربه رویداد استرس زای خارجی با نمره اضطراب بک تعامل معنی داری وجود نداشت. (جدول شماره ۲) نمودار شماره ۲ بیانگر

بحث

۱- با مروری بر نتایج حاصله این گونه استنباط می شود که فرضیه اول این پژوهش که هدف عمده تحقیق بود، تأیید نشده است. یعنی موفقیت تحصیلی در دو تیپ شخصیتی A و B از نظر آماری تفاوت معنی داری را نشان نداد. هاکت و همکاران نیز گزارش کردند که نه تنها عملکرد تیپ شخصیتی A بالاتر از تیپ شخصیتی B نیست بلکه در برخی مواردی پائین تر نیز هست. (۳) البته یافته های این پژوهش تنها قسمت اول



نمودار ۲- ارتباط نمره اضطراب بک با تیپ شخصیتی و رویداد استرس زا

نتیجه گیری

باتوجه به یافته های بدست آمده به نظرمی رسد بررسی ارتباط موفقیت با تیپ شخصیتی به بررسیها و پژوهشهای بیشتری نیاز دارد. در صورت تأیید نتایج کنونی (البته با در نظر گرفتن عوامل مداخله گری نظیر اضطراب و رویدادهای استرس زا) می توان نتیجه گرفت که تمایل شدید تیپ A به موفقیت در عمل کمک چندانی به آنها نمی کند. بنابراین بکارگیری مداخلات درمانی برای تعدیل الگوی رفتاری تیپ A برای پیشگیری یا کنترل اضطراب و دیگر عوارض جسمانی و عواقب اجتماعی ناشی از آن ضروری به نظرمی رسد، هر چند که در این پژوهش مرضی بودن اضطراب در تیپ شخصیتی A بررسی نشد. که پیشنهاد می شود این موضوع در پژوهشهای بعدی مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

به نظرمی رسد برای دستیابی به نتایج قابل اطمینان تر می توان پژوهشهای دیگری بانمونه بیشتر و در جمعیت های گوناگون انجام داد. یکی از محدودیت های این پژوهش هنجار نبودن ابزارهای بکاررفته بر روی جمعیت ایرانی بطور کلی و نمونه مورد بررسی کنونی بطور خاص بوده که مطمئناً هنجار کردن این ابزارها یا ابزارهای مشابه دیگری تواند نتایج را قابل اطمینان تر کند. همچنین در نظر گرفتن شاخص های دیگر موفقیت (چه تحصیلی و چه غیر تحصیلی) می تواند به تعمیم بیشتر نتایج کمک نماید. از محدودیت های دیگر این پژوهش عدم در نظر گرفتن متغیرهای مداخله گر دیگر مانند مشکلات مالی، دوری از خانواده و غیر بومی بودن، تاهل و غیره بوده است که امید است در پژوهشهای بعدی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ۱- مهاجر م. : تظاهرات بالینی روانشناختی در انفارکتوس میوکارد، دارو و درمان، شماره ۱۰۹، ۱۳۷۱، ص ۲۰-۱۲
- 2- Beck A.T. , Epstein N, et al : An inventory error measuring clinical anxiety , psychosomatic properties; *Journal of Counseling Clinical Psychology*; 56:6; 1988; PP: 893-897
- 3- Hackett T.P., Rosenbaum J.F: Cardiovascular disease ; *Comprehensive Text book of Psychiatry* ;

گزارش آنها را تأیید می کند.

۲ - به نظرمی رسد در تأیید گزارشهای قبلی (۶ و ۷) تیپ شخصیتی A نسبت به تیپ شخصیتی B اضطراب بیشتری را تجربه می کند ولی این امر تأثیری بر موفقیت تحصیلی آنها ندارد.

با یاد آوری شد که در پژوهش حاضر نقطه برشی برای جدا کردن اضطراب مرضی از اضطراب غیر مرضی در نظر گرفته نشده و تنه تفاوت میزان نمره اضطراب در دو گروه مورد ارزیابی قرار گرفته است. چه بسا با جدا کردن اضطراب مرضی، تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی تعیین شود، که بررسی آن خود به تحقیق جداگانه ای نیاز دارد.

۳ - در این تحقیق سومین فرضیه (تأثیر منفی رویداد استرس زای زندگی بر موفقیت تحصیلی) نیز تأیید شد. و همان گونه که در تحقیقات قبلی نیز (۷) نشان داده شده است، بین تغییرات زندگی و موفقیت تحصیلی کمتر، ارتباط مستقیم وجود دارد همچنین نتایج نشان دادند که این تأثیر صرف نظر از تیپ شخصیتی افراد واقع می شود. البته لازم به یاد آوری است که در این پژوهش پرسش درباره رویداد استرس زا محدود به زمان نزدیک به پرکردن پرسشنامه ها توسط آزمودنی بوده است در حالی که میانگین معده های چهار سال اخیر به عنوان شاخص موفقیت تحصیلی در نظر گرفته شد. بنابراین در توضیح ارتباط بدست آمده بین تجربه رویداد استرس زا و موفقیت تحصیلی کمتر، می توان استنباط کرد که یا رویداد استرس زا به حدی بر معدل سال جاری آزمودنیها اثر منفی گذارده که میانگین معدل چهار ساله آنها را بطور کلی پائین آورده است (متاسفانه این مورد بدلیل اتمام پژوهش و عدم پیش بینی اولیه، قابل ارزیابی نبوده است) و یا فردی که رویداد استرس زای زندگی اخیراً گزارش داده است در مجموع به دلیل شرایط کلی زندگی خود (مانند مشکلات مالی، دوری از خانواده، ...) حداقل در طول چهار سال اخیر بیشتر در معرض رویدادهای استرس زای مشابه بوده است.

برای ارزیابی این دو فرضیه بررسیهای بیشتری توصیه می شود.

Kaplan H.I, Sadock B.Y; William & Wilkins ; 1989;

PP:1192-1193

4- Helin P., Hanninen O.: Gender and personality effects on psychological activation an instructor candidates teaching test ; *Journal of Psychophysiology*; 2:1 ; 1988; PP:49-59.

5- Kaplan H.I: History of psychosomatic medicine ; *Comprehensive Text book of Psychiatry*; Kaplan & Sadock ; Baltimore ; William & Wilkins ; 1989; PP: 1157

6- Orpen.C: A personality as a moderator of the effects of role conflict, role ambiguity and role overload on individual strain ; *Journal of Human*

Stress; 8:2;1989; PP:8-14

7- Powell T.J. , Enright S.J : *Anxiety and Stress Management*; London & Newyork; Routlege ; 1990.

8- Puddey I.B. , Jenner D.A. , et al : Alcohol consumption , age and personality characteristics as important determinants of within subjects variability in blood pressure ; *Journal of Hypertension*; 5(supplimentary): 1988; PP: 617-619

9- Tennant C.C. , Langeluddecke P.M: Psychological correlates of coronary heart disease; *Psychological Medicine of London*; 15:3;1985; PP: 581-588

